

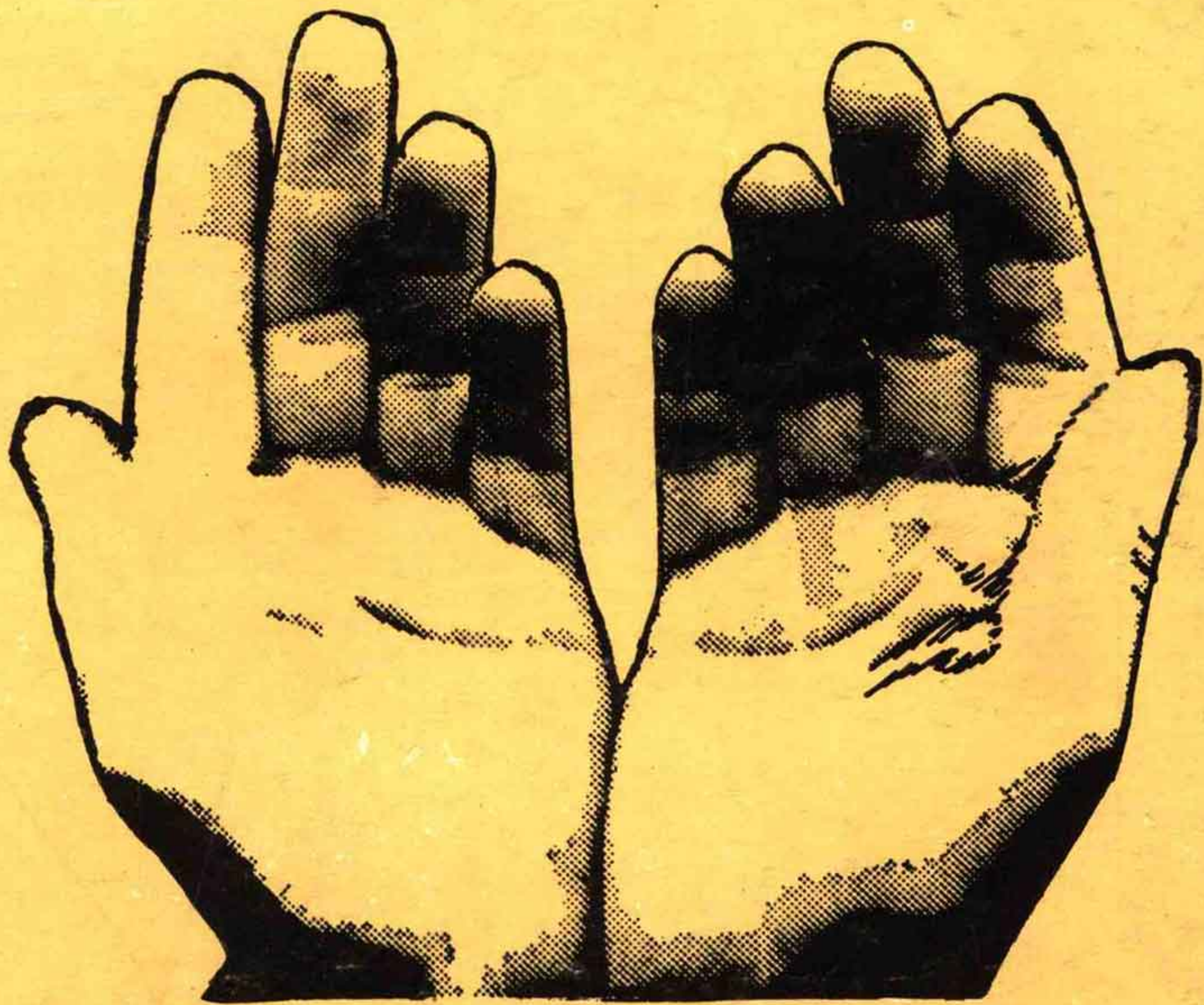


۳ (عج)



قائم آل محمد

امید انسانها



اثر: عبدالحسین اشعری



۸۳



قائد آل محمد (عج)

امید انسانها

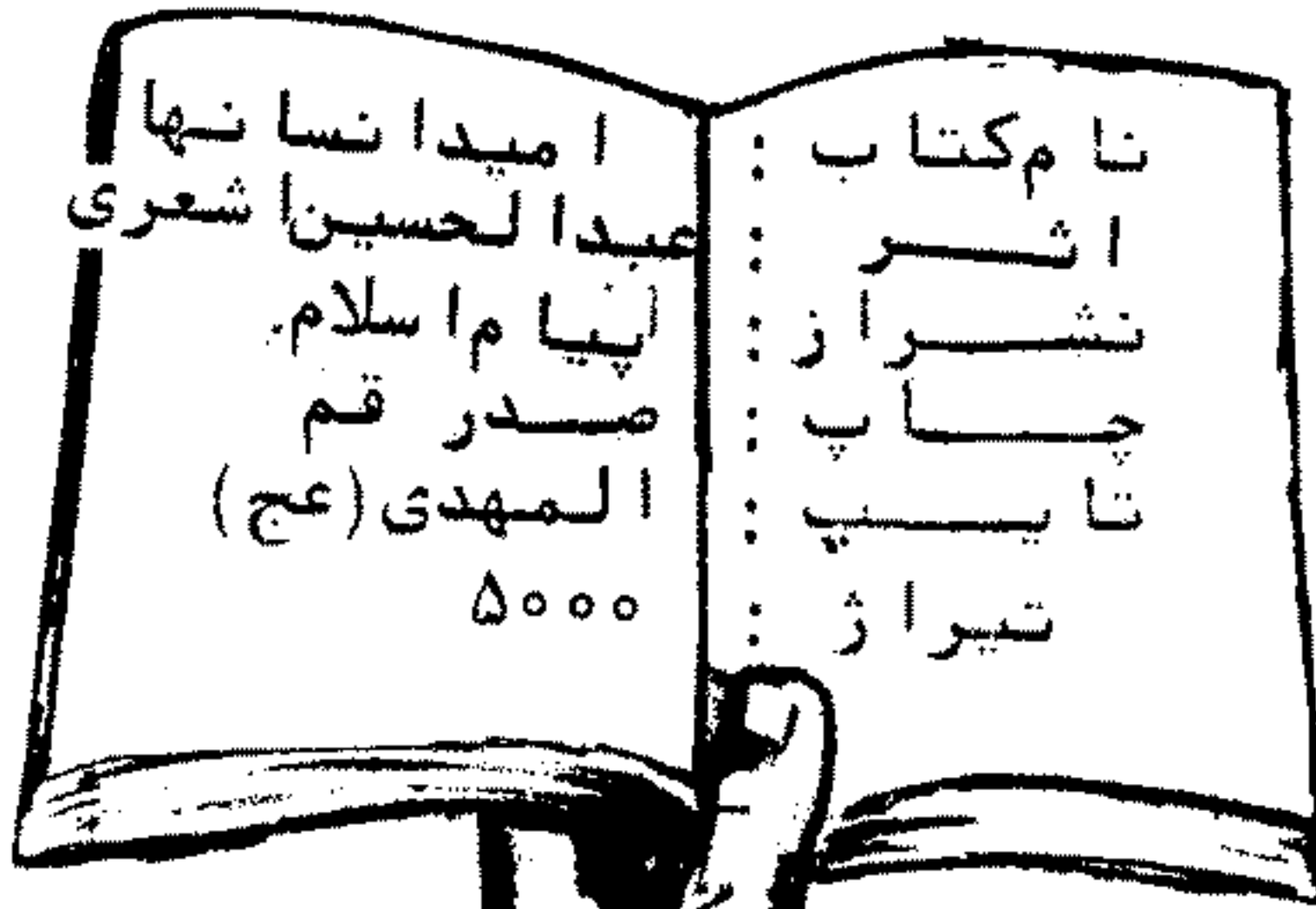
از : عبدالحسین اشعری

حق طبع محفوظ



۸۳

مشخصات کتاب :



اشارات پیام اسلام
تلفن ۲۵۸۴۷ قم

آینده روشن

تیرگیهای شب ظلم سرآ مددیگر
شب ظلما نی ما را سحرآ مددیگر
ز آستین دست خدا وند درآ مددیگر
ای گرفتارستم دادگرآ مددیگر
تا کند خلق جهان رهبری مهدی آ مددیگر
حجا بن الحسن العسکری مهدی آ مددیگر
آنکه در پرتو عدلش همه در آسا ییش
آنکه در مکتب او نیست سکوت و سساش
درس فرهنگی او پرورش و آ موزش
نقش او زندگیش هست جها دو کوشش
آ مدو با عث او را مش نرجس گردید
نام مهدی همه جا نقل مجالس گردید
سرزدا زدا من نرجس پسر زیبائی
که به زیبائی او نیست دگر همتائی
به دلارا شیش هرگز نبود سیمائی
چه دل انگیز جمال و چه قدر عنائی
ثانی اثنین محمد لقب و کنیه او
همه در پرتو لطف و همه در سایه او

(۴) ===== (آینده‌ی روشن)

شب تا یک حیات همه را روز آمد
خلقما تمزده را رهبر دلسوز آمد
بهر افشاکری خائن مرموز آمد
بهر اصلاح بشر مسئله آموزا آمد
آمده هستی بیدا دفنا گردا ن آمد
پرچم ملت مظلوم بپا گردا ن آمد
در محیطی که بهر منطقه اش پیکار است
منطق اصلی فرصت طلبان کشتار است
همه روزه همه جا خلق کشی بسیار است
سرنوشت همه در قبضه‌ی استعمار است
"اشعری" مصلح کل رهبر آگاه آمد
آنکه نبود هدفش جز ره‌الله آمد

بر کسی از شما که در حال نظار این امر (طوره)
مهدی (بمیرد همچون کسی است که در خیمه)
قائم (در حال جهاد با خضرش) باشد.
کال‌آین. ج ۲، ص ۱۴۴

امام جعفر صادق
مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ
مُنْتَظَرًا كَانَ كَمَنْ كَانَ
فِي فُتَاطِ الْقَائِمِ

در انتظار عدل

تیز چنگالهای استبداد
پنجه خونفشان مزدوران
همه جانقشه‌های فرعون
بت پرستی شمارا نسانها
ترا نسان نموده زخم آلود
برکشیده ز خلق ما تا روپود
همه جا حاکمیت نمرود
حق پرستی دگر شده نانبود

آنکه حق را کند عیان آمد

مهدی صاحب الزمان آمد

در چنین دوره‌های وحشتناک

همه در آرزوی صلح و صفا

در محیطی پراز فساد و جور

همه در انتظار عدل و وفا

در زمانی که جبهه‌گیری بسود

در ریاست میان انسانها

همه اندر تلاش دیدار

مصلح کل سلاله‌ی زهراء (ع)

تا عیان شد به نیمه‌ی شعبان

منتهی آرزوی هر انسان

با زگیر دست دژخیمان

آمده تا حقوق ملت را

واژگون سازد و کند ویران

آمده کاخ مستبدان را

(۶) ===== (در انتظا ر عدل)

آمده تا پیاده گردانند آیه های حقوقی قرآن
آمده در پناه آزادی زنده سازد حقوق هرا نسان

این همان جشن عدل و آزادی است
البشاره که موسم شادی است

بسر آمد زمان خونخواری

روز پیروزی مسلمان است

فاش گردیده صحنه ساریها

روز اجراء حکم یزدان است

واژگون شد حکومت ظالم

حاکمیت برای قرآن است

گوشه ای زان حکومت قانون

انقلاب اصیل ایران است

که فقط رهبرش خمینی بود

طرح و نهضت حسینی بود

رهبریهای قاطعانه ای و درس آیندگان کشور است

در براندازی اساس ظلم پیشوا و امورهبر است

در اصول مبارزات خلق قاندا عظم است و سنگر است

نائب صاحب الزمان مهدی است

حافظ مکتب پیمبر است

"اشعری" دست حق بودیارش

بارالها تو خود نگه دارش

در دانه نرجس

ا مشب طبیعت جلوه‌ی شاها نه پیدا میکند
جان و روان آدمی جانانه پیدا میکند
شمع جهان افروز حق پروانه پیدا میکند
حزب خدائی رهبری مردانه پیدا میکند
نرجس یگانگه کودک در دانه پیدا میکند
گم‌گشته‌ی خود عسکری در خانه پیدا میکند
فرمانروای دین حق از امریزدان میرسد
قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد
ا مشب سرای عسگری غرق ریاحین میشود
عرش برین از مقدم مهدیش تزیین میشود
روشن دو چشم نرجس از چشم خدا بین میشود
ما در بر این نوزاد خود بسیار تحسین میشود
چون قلب نرجس هردلی از شوق تسکین میشود
کام پدر را ز دیدنش بسیار شیرین میشود
آوای شادی از بر خلاق سرمه میرسد
قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد
این است مهدی که جهان حیران و سرگردان اوست
دربارگاه اقدسش روح الامین دربان اوست

(۸) ===== (در دا نهی نرجس)

آنچه بشردا ردهمه از سفره‌ی احسانا وست
آری بشر ریزه خورا احسان بی‌پایانا وست
دست خداوند جها ندام بلاگردانا وست
جان جها نباشدهمه جان جها نقربانا وست
اینک برای یاری قرآن احمد میرسد
قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد
از هستی او هستی عالم بپا با شدهنوز
از لطف او برنامهی قرآن بجا با شدهنوز
بهرتعالی بشر غرق دعا با شدهنوز
موسی به خدمتکاری او با شدهنوز
عیسی شاعرش نغمه‌ی مهدی بپا با شدهنوز
بهرتماشای رخس فریادها با شدهنوز
از سوی جبریل امین برا و خوش آمد میرسد
قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد
نرجس زمیلاد پسر خندا نوگلبا را نشدی
دردمخاضا و بیک بوسیدنش جبرا نشدی
درزا دروزا این پسر حور و ملک مهما نشدی
رانده از این مهما نسرا از ارحق شیطان
وی پاسدار جا معهم مصلح دورا نشدی
قرآنو مکتب زنده از برنامها ی آ نشدی
اکنون چنین مرخدا با شور بیحد میرسد
قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد
اینست آنکه ریشه کن میسازد استعمار را

(۹) ===== (۱) میدا نسا نھا (

ویرا نکندا رکا نا ستبدا دوا ست شمارا
 بردا ردا زروی زمین جرثومه و خونخوا را
 نا بودسا زدخا نهی ظلم جنا یتگا را
 سا زدمدا و اسینهی افسردهی بیمسار را
 اصلاح سا زدا زفسا دسرتا سربا زا را
 نوری که برا عمار عالم میدرخشد میرسد
 قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد
 آنرا دمردی که فلک درانتظارش پیرش شد
 شیرا فکنی کد دشمن ز پنهانی و شیرش شد
 از هجرا و در عالمی پر خدعه و تزویرش شد
 از غیبت کبرای و نسل بشر دلگیرش شد
 درانتظارش نغمهی مستضعفین تکبیرش شد
 آیات قرآن مجید در شان او تفسیرش شد
 آن مهدی ای کز سوی حق باشد موید میرسد
 قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد
 روز ظهورش میکند شیعه بدنیا سروری
 با دست او برپا شود کاخ عدالت گستری
 برچیده گردد شیوهی ظلم و جنایت پروری
 در سایه قرآن کند بر اهل عالم رهبری
 اندوه و محنتها دگرپایا نپذیرد "اشعری"
 این پورنرجس با شد و نور دو چشم عسگری
 بر جسم و جان مسلمین روح مجرد میرسد
 قائم مقام عسگری ز آل محمد میرسد

کیست مهدی؟ (عج)

- کیست مهدی قبله‌ی اهل نظر
عالمی در انتظار، او منتظر؟
- کیست مهدی آنکه آمد در وجود
زا مرحق از نرجس زیبا گهر؟
- کیست مهدی بحر مواج ادب
که نزا ده ما دری چون او پسر؟
- کیست مهدی آنکه در نام و نشان
چون محمد حضرت خیرا البشر؟
- کیست مهدی آنکه سیما پیش بود
روشنی بخشنده‌ی شمس قمر؟
- کیست مهدی آنکه از هجران او
میکشده منتظر آه از جگر؟
- کیست مهدی آنکه در دا نشگه‌ش
هست هر دا نشیژوهی مفتخر؟
- کیست مهدی که ظهورش میشود
نخل آئین پیمبر بارور؟
- کیست مهدی آنکه هنگام ظهور
میدهد بر دین صفا بیشتر؟

کیست مهدی (عج) ===== (۱۱)

کیست مهدی آنکه در دنیا دهد

مسلمین را نصرت و فتح و ظفر؟

کیست مهدی آنکه هر فرمان او

باعث آزادی نسل بشر؟

کیست مهدی قائد دل سوز خلق

رهبری در خط عدل و دادگر؟

کیست مهدی آنکه ویران میکند

کاخ استبداد و هر بیدادگر؟

کیست مهدی هرستمگر میکند

در ظهورش سخت احساس خطر؟

کیست مهدی آنکه با طاغوتیان

میکند پیکار سختی سربسز؟

کیست مهدی آنکه در عالم کند

پرچم اسلام و قرآن مستقر؟

کیست مهدی آنکه با نیروی او

هست هرگونه سلاحی بی اثر؟

کیست مهدی آنکه با شد در جهان

"اشعری" را افتخار و تاج چسز؟

در آرزوی آرزو

در محیطی که هرج و مرجی سخت
همه جا حاکم است مهدی جان
در زمانی که نبض انسانها
در کف ظالم است مهدی جان
بهریک اجتماع بی صاحب
رهبری لازم است مهدی جان
بهترین رهبر حکومتها
حاکم عالم است مهدی جان
بعد تو حاکم مجاهد کیست
فاش گویم بجز خمینی نیست
همه در انتظار آن روز اند
که توسازی حکومتی تشکیل
کا انقلاب اصیل ایران را
بازسازی نمائی و تکمیل
بیشتر فقه شیعه را سازی
موشکافی و تجزیه، تحلیل
با همان قدرت ولایت خویش
مشکلات بشردهی تقلیل

(در آرزوی آنروز) ===== (۱۳)

حال کز توست دست ما کوتاها

خط ما هست خط روح الله

همه جای نقاط این عالم

جنگ و آدمکشی و خونریزی است

دربرا ندازی فضیلتها

شیوهی قلدری و چنگیزی است

آنکه از خلق دم زندگارش

کینه توزی و آتش افروزی است

غافل از آنکه ظلم نابود است

مرد حق را همیشه پیروزی است

مهدیا این حکومت دنییها

حق تو باشد و خمینیها

ای شکوفاترین گل هستی

مهدی فاطمه کجائی تو؟

به طفیل تو این جهان بر جاست

ای امید همه کجائی تو؟

دیدن روی تو به سختیها

میدهد خاتم کجائی تو؟

با ظهور تو نیست انسان را

ترسی ووا همه کجائی تو؟

زنده سازی نظام دینی را

پاسداری کنی خمینی را

(۱۴) ===== (امیدانسانها)

نرجس از دیدن تومی گفت

بعد از این کی چنین پسر آید

به سراغ زازا در روزت

روز آزادی بشر آید

کی شود از فروغ دیدارت

شام هجران ما سحر آید

با ظهور خجسته روزت

روز دیکتاتوری بسر آید

چون شود گرتو جلوه گر گردی

چون خمینی دوباره برگردی

با شاعر و درودت و حیدری

بر شکستی طلسم استبداد

وحشت افکنده ای بشرق و غرب

بلکه در هر دو قسم استبداد

متزلزل نمودی از ریشه

پیکر ظلم و جسم استبداد

با بپا کردن حکومت عدل

بردی از یاد اسم استبداد

"اشعری" عصر غیبت مهـدی (عج)

با خمینی نما تو هم عـدی

هرشب و امشب

جان دو جهان گشته عیان هرشب و امشب
لبخند زنا بر همه گان هرشب و امشب
بزم همه روشن شادان هرشب و امشب
بلبل ز رویش نغمه کنان هرشب و امشب
نامش همه جا ورد زبان هرشب و امشب
مهرش به دل پیرو جوان هرشب و امشب

افسوس که گردیدنها هرشب و امشب

مهدی گل گلزار جهان هرشب و امشب

آنکه کنده حیات قوانین حق این است
آنکس که جهان پر کند از عدل همین است
وی حجت حق در همه روی زمین است
هم روشنی افروز جهان سایه نشین است
پاینده و جاوید از آندین مبین است
شاگرد کلاس ادبش روح الامین است

وصفش نتوان کرد بیا ن هرشب و امشب

مهدی گل گلزار جهان هرشب و امشب

در حسن ووجاهت نوسد کس به بمثلش
خلق نبی و خوی علی خلق و خصالش

(۱۶) ===== (امیدانسانها)

توصیف نکرده است کسی کنه کمالش
جز ذات خدا وندجلیل و متعالش
جز حق طلبان کس نرسیده بوصالش
بفرست درود و صلواتی به جمالش

برده است ز ما تاب و توان هر شب و امشب

مهدی گل گلزار جهان هر شب و امشب

آمد که دگرگون کند اوضاع جهان را
در پرتو اسلام کند رهبری نسل جوان را
مانند بهاری کند آبا و اجداد را
بر هم زند آسفتگی امروز ما را
در هم شکند صولت بیدادگران را

آرام کند روح و روان هر شب و امشب

مهدی گل گلزار جهان هر شب و امشب

بیدار کن خفته دلان حضرت مهدی (عج) است
فریاد درس خلق جهان حضرت مهدی (عج) است
آنکه بود از دیدن جهان حضرت مهدی (عج) است
از بهر گرفتار، اما ن حضرت مهدی (عج) است
افشاگر اغفالگران حضرت مهدی (عج) است

در آرزویش آه کشان هر شب و امشب

مهدی گل گلزار جهان هر شب و امشب

آنروز خداوند بودیا رو معینش

داده است بدستش سند خلد برینش

(هرشب و امشب) ===== (۱۷)

آنکس که بشرمات روی سایه نشینش
بر خاتم اسلام بودنش نگینش
حیف است نبینیم روی ماه جبینش
یک بوسه بگیریم ز روی نمکینش

ای "اشعری" حق گشته عیان هرشب و امشب
مهدی گل گلزار جهان هرشب و امشب

رسول آسم :

به مهدی بشارت آن میدهم : او به کام اختلاف مردمان از میان آید من بر این سخن میثود. ساکنان

آسمان زمین از او خوشد خواهند بود. او مال را در دست دُست تقسیم میکند. (مردی از رسول آسم پرسید) :

دُست در دست چیست ؟ فرمود : میان همه مساوی

مخبر از من ۱۳۲

فریاد درس

ز شا مشوم باطل گوش جان را
پرا ز فریا دوا ژیر خطر بود
عفونتهای پیکرهای طاغوت
تنفرزای تاریخ بشرب بود
جهان در آتش بیداد میسوخت
که هرج و مرج در هر رهگذر بود
مجاهد را دمرددین وداننش
اسیر ظالم و تحت نظر بود
ز ژست وجبهه گیری های باطل
بشر را روزا ز شب تیره تر بود
از آن آشوبگرهای هوسران
جهان در ظلمت و طوفان شرب بود
بشر در سلطه ی بیدادگرها
همی در انتظا ردا دگر بود
ز عفریت حکومت های فاسد
خسונتهای سختی جلوگربود
شعارونغمه ای للسه اکبر
صفا بخش همه دیوار و درب بود

(فریا درس) ===== (۱۹)

ز پشت پرده آنچه بود آمد

بدنیا مهدی موعود آمد

نسیم زندگی پروا ننه‌ای و

فلک گرد طواف خانه‌ای و

لب شیرین او ما در ببوسید

چو لبخندی بزد در دانه‌ای و

فرشته رفت و آمد مینما یید

ببا م خانه و کاشانه‌ای و

بردهوش از سرو آرمش از دل

نگاه نرگس مستانه‌ای و

نه تنها دوستان خواهان زرویش

هوا خواهش بود بیگانه‌ای و

خلایق خیره و مبهوت گشته

ز روی کودک فرزانه‌ای و

شعرا و آیه‌های جاء الحق از حق

نشان مهر روی شانه‌ای و

نه تنها جن و انس از دیدنش مات

که باشد عالمی دیوانه‌ای و

(۲۰) ===== (امید انسانها)

که نور دیده‌ی نرجس همین است

که همجان است و همجانانها و

شب تا ریک غم را روز آمد

که مصباحها را فروز آمد

رهائی بخش انسانهای مظلوم

ز چنگال هوسران است مهدی

در آن گرداب اقیانوس وحشت

بسان ناخدایان است مهدی

از آن رو منتقم گشته ملقب

که خونخواه شهیدان است مهدی

حقائق را بحق افشا نماید

زبان دین و قرآن است مهدی

ز طوفان حوادث درامان است

کسی را که نگهبانان است مهدی

بگوید صولت مستکبرین را

که غمخواه رضعیفان است مهدی

بیاس او پدید آمد همه چیز

ولی از دیده پنهان است مهدی

اما انقلاب ما خمینی است

ولیکن حافظ آنست مهدی

در این عصر پراشوب "اشعریا"

انیس و راحت جان است مهدی

بیاس حجه بن العسکری بود

خمینی را مقام رهبری بود

نجات بخش

درود بیکران بر آن روانت بادمهدی جان
که دنیا مصلحی چون توندا ردیا دمهدی جان
طنین اندازبانک ضداستیدا دمهدی جان
بیا تا گردد انسا نها زغم آزا دمهدی جان
زبسکه حسرت روی تورا بودیم مهدی جان
ندیدیم عاقبت رخسار تو مردیم مهدی جان
بیا مهدی ببین دنیا ی پر آشوب و طغیان را
بیا مهدی ببین وحشت گرفته نسل انسان را
ببین اوضاع نکبت با ر دنیا ی مسلمان را
ببین طغیان و عصیان ، انحرافات جوانان را
جهان در آتش ظلم و فسادا ز چیست میسوزد؟
در آتش سوزیش بنگر و جو د کیست میسوزد؟
بیا مهدی ببین چنگال خون آشام بیگانه
بخاک و خون کشاننده با جنا یتهای مستانه
که پر کرده ز خون را دمردان جام و پیمانه
جهان با اینهمه علم و تمدن گشته دیوانه
بیا از گردن آزا دهی مردان قید غم و اکس
بشر را با رموز زندگی آگاه و نا کس

(۲۲) ===== (ا میدا نسا نهـا)

بیا مهدی ببین بدبختی دنیا ی ما شیـن را
بین در دست استعما رگر قرآن و آئیـن را
بیا تسکین بده آلام جسم و جان مسکیـن را
بیا کوته کن از دین دست مرموزشیا طیبـن را
ز نیروی توتشکیلات حق پا ینده میگرـدد
نظام حق پسندا نه در عالم زنده میگرـدد
نوید فتح میآید ز میلادت بجان مـن
به عشق دیده تو پر در آورده روان مـن
زده صیاد الحاد آتشی بر آشیان مـن
بیا مهدی که این عصراست عصرا متحان مـن
بر سر بردا دما ای بهترین محبوب مهدی جان
که گردد "اشعری" از بندگان خوب مهدی جان

بیار مظلوم

ای گل سرخ‌بها رزندگی یا بن الحسن
با تودا رد قلب و دایها بستگی یا بن الحسن
بر فراز کاخها در اهتزاز آید زتـــو
پرچم آزا دی و آزا دگی یا بن الحسن
گربیا ئی با نگا هی میبری از جان و دل
گردا ندوه و غم و افسردگی یا بن الحسن
هر کسی را لایق دیدا رخسار تونیست
که لیاقت با یدوشا بستگی یا بن الحسن
آن زمانه که توتشکیل حکومت میدهی
نیست دیگر در جها ن خود کا مگی یا بن الحسن
در کنا رهبریها ی تو گرد دبر قرار
بین افرا د بشر هم بستگی یا بن الحسن
ما درت در راه احقاق حقوق مرتضی
کشته شد در سن ۱۸ سالگی یا بن الحسن
تا زیا نه من نمی دانم که با زهراء چه کرد
آنکه سیلی خورده بوده تا زگی یا بن الحسن
بشکنند دستی که سیلی زد بر وی فاطمه
که پس از آن سیرشدا ز زندگی یا بن الحسن
دیده ی قابل بباید تا ببیند روی تو
لطف کن بر "اشعری" آ ما دگی یا بن الحسن

یوسف فاطمة

خدا وندا چرا آن یوسف گم گشته کنعان نمی آید؟
که تا بخشد بوضع دلخراش مسلمین سا مان نمی آید؟
چرا مرهم غذا رزخمهای بیکران پیکر عالم
که سازد درد بیدرمان ما درمان نمی آید؟
چرا دیگر معزا اولیاء با نغمه های شادی و نصرت
برای آنکه بر عمر ستمکاران دهد پایان نمی آید؟
چرا آن رهبر از زنده و آگاهانسانهای درماننده
که تا سا مان دهد بر امت و دنیای سرگردان نمی آید؟
چرا آن آفتاب آسمان عفت و روشن گرا سلام
که باشد قرنهای اندر پس ابرنهای پنهان نمی آید؟
چرا آن بت شکن پرور برای قطع دست ظلم استبداد
فروریزد نظام کفر و استعمار دژ خیمان نمی آید؟
چرا آن مصلح عالم برای طرح اسلام اصیل اکنون
کنند پیروز در سرتا سر دنیا مسلمانان نمی آید؟
چرا مهدی که خونخواهی کند از بیگناهان جهان یکسر
بگیرد انتقام خون سرخ پاک مظلومان نمی آید؟

در انتظار وصل

منکه! ز غیبت تو خسته و دلگیر شدم
نوجوان بودم از دوری تو پیر شدم
بها مید تو بر ظلم و ستم شیر شدم
با نک برداشته، گوینده‌ی تکبیر شدم
تشنه‌ی چشمه‌ی سیما‌ی تو باشم چکنم
دوست دارم بتما شای تو باشم چکنم
هر که گردید گرفتار تو فریادرسی
من گرفتارم و پس از چه به دارم نرسی
منوا مانده‌اند از ما بخدا هیچ کس
جان به لب آمده‌اند است مرا یکنفسی
رفتن روی تو را هیچ ندیدن سخت است
غم هجران تو بردوش کشیدن سخت است
زندگی بی گل روی تو نخواهم هرگز
بجز از روی نکوی تو نخواهم هرگز
جائی غیر از سرکوی تو نخواهم هرگز
راهی غیر از ره سوی تو نخواهم هرگز
از ازل سخت گرفتار تو گشتم مهدی
بلکه نا دیده خریدار تو گشتم مهدی

(۲۶) ===== (امیدانسانها)

سوی ما گرتونگا هی بنمائی چه شود؟
وزدل منتظران عقده گشائی چه شود
بشریت دهی از غصه رهایی چه شود؟
گر که لطفی کند آقا بگدائی چه شود
همه شب تا بسحر ز مزه امیلاتو بُوَد
نغمه هایم همه در قامت شمشاد تو بُوَد
شب تاریک مرا شمع فروزان باشی
روز درمانندگیم را همه دوان باشی
ما که موران ضعیف و توسلیمان باشی
ز چه از دیده ای ما غائب و پنهان باشی
تا یکی اشک از این دیده گریا نریزم
تا یکی خون دل از دیده بدما نریزم
تو گل سرسبد گلشن ایمان هستی
تو انیس غم دنیا ی مسلمان هستی
تو بر این پیکر افسرده ای ما جان هستی
زدگر گونی یا مپریشان هستی
زی پس پرده در آ، ای گل باغ حسنی
تا که بنیا دستم یکسره در هم شکنی
ظلمت ظلم جهان را بخطر افکنده
آتش کفر به دل، سوز و شر را فکنده
تو بیا دست ستم را ز جهان قطع نمای
سوی پر سوختگانیک نظر، ای شمع نمای

(درانتظاروصل) ===== (۲۷) ==

چاره‌ی درد گرفتار تو میباشی و بس
دا روی عاشق بیما رتو میباشی و بس
روشنی بخش شب تا رتو میباشی و بس
رهبر امت بیدار تو میباشی و بس
تا یکی منتظر روی تو باشم مهدی
تا یکی منبتکاپوی تو باشم، مهدی

پیک پیروزی

دوری روی تو آتش زده بر جان و دلم
من آلوده ز لطف تو بیحد خجلم
گرچه در غیبت تو جرم فراوان کردم
نظری کن که من از کرده‌ی خود منفعلم
شیر ما در به من این مهر و محبت آموخت
با ولای تو سرشته شده این آب و گلم
تو که از دوری خود تاب و توانم بردی
من که از شوق وصال تو چنین مشتعلم
رشته‌ی لطف خود از منتظرت قطع مکن
دلخوشم من بگمانی که بتو متصلم

گوهر نرگس

امشب از دامن نرجس پیری میآید
عسگری را پسرخوش سیری میآید
امشب افلاک سماوات بو نورانی
چون ز دریای ولایت گهری میآید
تا که امشب کندها حق حقوق مظلوم
رهبر زنده دل و دادگری میآید
راحت جان حسن نور دو چشم نرگس
بهر ابناء بشرخوش پدري میآید
حدها بن الحسن العسکری با لطف عمیم
تا کند پریشريت نظری میآید
شجر گلشن توحید تماشائی شد
چونکه بر آن شجره شاخ و پری میآید
خانه ی عسگری از مقدم او شد چو بهشت
زانجهت که بجهان تاج سری میآید
بانک شادی همه جا میرسد امشب برگوش
گوی بر منتظران منتظری میآید
بشریت شود زوادی ظلمت آزاد
چونکه برگمشدگان راهبری میآید
مرد حق، رهبر نستوه، امام آگاه

(گوهر نرگس) ===== (۲۹) =

تا رها ندبشر از هر خطری می آید
تا که کوتاه کند دست ستمکاران را
از سر خلق جهان راهبری می آید
"اشعریا" شب هجران بسرا مدزیرا
کز پی هر شب یلدا سحری می آید

عج یابن العسکری

جان به لب آمد ز هجران تو یابن العسکری
من که ام گردهم بقربان تو یابن العسکری
هستی هستی به یمن هستی تو، برق رار
بلکه ما هم ریزه خواران تو یابن العسکری
روزهای جمعه روز تو منم میمان تو
دست خالی از چه میمان تو یابن العسکری
حجابه بن العسکری ای یوسف زهرابی
که بودا یران جماران تو یابن العسکری
انقلاب ما زمینه سازت تعجیل ظهور
جلوه ای کن گشته دوران تو یابن العسکری

(۳۰) ===== (امیدانسانها)
یوسفا از هجر رخسار تو گرد دیده سفید
دیده‌ی چشم انتظاران تو یا بن العسکری
نیست تنها امت اسلام اندرانتظار
که جهانی هست خواهان تو یا بن العسکری
در دعای ندبه در هر جمعه خواهیم از خدا
دیدن رخسارتان تو یا بن العسکری
قبر پنهان گشته‌ی زهراء نمایان میشود
چون عیان شد روی پنهان تو یا بن العسکری
میچکد خونابه‌ها از پهلوی زهرا بیت هنوز
که شفا گیرد ز درمان تو یا بن العسکری
" اشعری " در اشتیاق دیدن رخسارتو
روز و شب گشته شناخوان تو یا بن العسکری

آفتاب سایه نشین

من همان نور افکن عرش خدا وندمبینم
آفتاب عدل و آزادی ولی سایه نشینم
بهر احقاق حقوق مسلمین همت نمایم
تا براندازم نظام کفر حاکم در کمینم
واژگون سازنده ی بنیاد استکبار باشم
در مسیر گسترش دادن بستورات دینم
نام من باشد محمد زهره ی زهراء جمالیم
همچو شیر بیشه ی یزدان امیر المومنینم
چون حسن زیباست رویم ، چون حسین خوش خلق و خویم
در نیایش همچنان سجاد زین العابدینم
علم باقر ، صدق صادق در نهادم میدرخشد
حلم موسی دارم و همچون رضا زهد آفرینم
چون تقی جود و نقی پرهیزگار و پاک خویم
زیب آغوش پدر ، امام المتقینم
مهدی آل محمد حجة ابن العسکریم
عالم علم علوم اولین و آخرینم
مهدیم بیدار ساز فکر انسانهای خفته

(۳۲) ===== (امید انسا نهها)

ریشه کن سا زنده ی بنیا دظلم ظالمینم
مهدیم آن رهبر آزا دا ندیش جها نیسی
روز و شب میسوزم از غم چون بفکر مسلمینم
مهدیم روشن گر کا شانه های بی فروغم
هر گرفتار بچاه افتاده را یا رومعینم
مهدیم اهریمنان دهر را درهم بکوبم
با نظام عادلانه با بیان آتشینم
مهدیم کوتاه سازم دست کفر صهیونیستی
از سرمستضعفین با انقلاب راستینم
مهدیم برامپریالیزم شرق و غرب تازم
میکنم افشاگری با نغمه های دلنشینم
مهدیم سر حلقه های اسرار ما کان ویکونم
روشنی بخش جها ن از کلهکشانها تا زمینم
مهدیم دانشجویان مکتبم آزادگانند
درس آزادی بود درس کلاس اولیسم
مهدیم ویران کنم ارکان استکبار عالم
بر طلسم وحشت آرم سخت مشت آهینیم
مهدیم مصداق جاء الحق بود روز ظهروم
قدرت باطل شود محکوم از عزم متینم
مهدیم ارشاد سازم "اشعری"ها را در عالم
ره گشای جنت الما وای اودروا پسینم

آوا ماجا الحفا

گویای خط راستین مهدی بود، مهدی بسود
تنها امید مسلمین مهدی بود، مهدی بسود
برضد هر خودکامگی آنکه کند افشاگری
استا دجبریل امین مهدی بود، مهدی بسود
آزاده‌های اندیشمند، برنا مه‌ها یش حق پسند
برنا مهدی قرآن و دین مهدی بود، مهدی بسود
آن روشنی افروز حق، آن مسئله آموز حق
ز احکام قرآن مبین مهدی بود، مهدی بسود
مرد جهان پیمای حق، دست‌گره‌گشای حق
از امت اندوه‌گین مهدی بود، مهدی بسود
مشگل‌گشای جامعه در این زمان پرخطر
سرتاسر روی زمین مهدی بود، مهدی بسود
نرجس‌ببالدبر زنان، بر بانوان بر ما دران
زیرا که فرزندش چنین مهدی بود، مهدی بسود
هم مصلح و هم منتقم، قرآن بخواند در رحم
ز آیات رب العالمین مهدی بود، مهدی بسود
چه کودک خوش منظری آمد برای عسگری
همراه او صد آفرین مهدی بود، مهدی بسود

(۳۴) ===== (امیدانسانها)

آوای جاء الحق از آن پیچیداندر آسمان
حق پرور و حق آفرین مهدی بود، مهدی بود
گفتا حکمیه یا ادب، یا نرجس از وجد و طرب
از جای برخیز و ببین مهدی بود، مهدی بود
آرامش جان همه، مهدی عزیز فاطمه
بر متقین حصن حصین، مهدی بود، مهدی بود
بر دوستانش پاسدار، بر شیعیانش غمگسار
بر دشمنانش در کمین، مهدی بود، مهدی بود
همنام ختم الانبیاء، خاتم بود بر اولیاء
نخل امیر المومنین، مهدی بود، مهدی بود
آنکس که میگردد عیان از اخلاق جهان
بهر قتال ظالمین مهدی بود، مهدی بود
ای "اشعری" در آن سرا از لطف ذات کبریا
یاری کن مستضعفین مهدی بود، مهدی بود

نسیم طبعدم

تا بکی غائبی از دیده‌ی ما مهدی جان
جلوهای کن ز پس پرده درآ، مهدی جان
ما که مردیم ز روی تونچیدیم گلوسی
عمر بگذشت ندیدیم ترا مهدی جان
بی فروغ رخ تو مجمع ما تاریک است
ای فروزنده ترا ز ماه بیا مهدی جان
نیروی تو است که در هم شکند نیروی ظلم
در پناه تو شود عدل بیا مهدی جان
صبح هر جمعه به هنگام دعای ندبه
از برای تونمائیم دعا مهدی جان
گربیائی سروجان مینهیم اندر راهت
ورنیائی گله سازم بخدا مهدی جان
از مقام و درجات تونمی گردد کس
گرنگاهی فکنی سوی گدا مهدی جان
ما همه زنده‌ی احسان و عنایات توئییم
بیشتر لطف تو بر ما بنما مهدی جان
در دهجران تو آتش زده بر جان و دلیم
گربیایی شود این درد دوا مهدی جان

(۳۶) ===== (ا میدانسانها)
 وعده دیدن تو خا نه نشینم کـــــــــــــــــرده
 خون مکن بردل افتاده زپا مهدی جان
 ما بیا دتو نبودیم ، اگر ، بد کردیـــــــــــــــــم
 تو که دریای عطائی تو چرا مهدی جان
 از چه لب تشنه حسین بن علی (ع) نزد فـــــــــــــــــرات
 کودکانش همه در شور و نوا مهدی جان
 "اشعری" هست بیا دتو در این عالم خـــــــــــــــــاک
 توبه محشر مبرایا دورا مهدی جان

کوبنده طاعتها

سحرگاه ازادی گل نسیم عنبرین رسید
 زبوی جان پرور آن روح بجسم و جان دمید
 ندای عشرت آفرین ، صدای حق و دلنشین
 بانک بشارت و نوید چه جلوه های پرورید
 که ای اسیر عشق یا ر پرده بزن تو بر کنـــــــــــــــــار
 ببین ز ره رسد نگار که مثل او کسی ندید
 در این محیط پر خطر ، در اینجهان پر شرر
 خدای عدل و داد گر چه حجتی بیا فریـــــــــــــــــد
 حقیقت آشکار شد موسم وصل یا رشـــــــــــــــــد
 مهدی صاحب الزمان گشته باینجهان پدید

ارمغان نرگس

گل نرگس شکوفا شد جها نرا عطر افزا کرد
زبوی مشگ زای خود دل و جانرا مصفا کرد
گل نرگس پدید آمد سرا سر حسن و زیبا شی
که خشنودا ز جمال خویش قلب و جان زهرا کرد
گل نرجس تجلی کرد شادی داد بدردلهها
چو لب بگشود دنیا را بسان طور سینا کرد
گل نرجس عیان گردید اندر نیمه شب عیان
که از روی دلارایش دل هر پیر برنا کرد
گل نرجس چو از دامن مادر آشکارا شد
به دلها روح بخشید و عجب هنگامه بر پا کرد
گل نرجس بدست باغبان اینجهان روئید
چو لب واکرد گلهای دگر را خوار و رسوا کرد
گل نرجس چنان در حیرت افکنده است یوسف را
که لب بگشود بر تحسین چو این گل را تماشا کرد
گل نرجس چو غیبت کرد دلها را بهمراه برد
هم او یک کاروان دل اسیر روی زیبا کرد
گل نرجس چو غیبت کرد شوری درجهان افکند
چو شد پنهان ز دیده خون دل هر پیر و برنا کرد

(۳۸) ===== (امیدانسانها)

گل نرجس چوپنها ن گشت آتش زدبر ایندلها
برای دیدن او " اشعری " بسشور و غوغا کرد

* * * *

دل بریدم ز همه دل بتو بستم مهـدی
بر سر کوی نگاه تو نشستم مهـدی
طاقت دوری روی تو ندا رم چه کنم
منتظر زود بیا ، منتظر هستم مهـدی
تو همان مظهر لطف و کرم و احسانسی
من همان بنده‌ی آلوده و بیستم مهـدی

حضرت مهدی^ع

طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ
طَرَفِنَا هَلِ الْبَيْتِ
مُسَاوِقٌ لِإِنْكَارِنَا
جَبْجَبِي مَعَارِفِ

خُزَارَاهُ مَا خَانِدَانِ پيامبر،

برابر با انکار ما خواهد بود.

چشمه انتظار تو

بها میدو مال توبه کوه و دشت حیرانم
شرا ره جرتو آتش زده بر پیکر و جانم
کجا باید بیا یم تا بدیدارت شوم نائیل
به رضوی یا بکوه ذی طوائفی من نمیدانم
تو غائب بودی و من جرمهای مرتکب گشتم
بیا که توبه کردم من ز کردارم پیشیمانم

* * * *

کاش یک شب رخ زیبای ترا میدیدم
چهره بر خاک کف پای تو میسائیدم
دیدهام روی همه دیده ولی مهدی کـو؟
کاش میآمدی و دور تو میگردیدم
همه شب در همه جا نام تو بر لب بودم
هر کجا رفته ام احوال تو را پرسیدم

بازگیرندهٔ خو نامظلومه

از پس پرده برون آی جهان آرا کن
عقده از این دل غمیدیده امت واک کن
تا یکی منتظران چشم براهت باشند
ما که مردیم بیا دیده‌ی ما بینا کن
تو که از دیده‌ی این منتظران پنهانی
پرده بردا رز رخساره‌ی خود غوغا کن
دم زدین میزد و بر ما درتوسیل میزد
تو بیا چهره‌ی این کوردلان افشا کن
خون سرخ شهداء خشک نگر دهر گرز
بهر خونخواهی مظلوم جهان پیما کن
پرده بردا رز رخسار بیا یا مهدی
قبر پنهان شده‌ی فاطمه را پیدا کن

آتش و خون

جهان در آتش و خون است یا مهدی
که پر خون دشت‌ها مون است یا مهدی

(با زگیرنده ی خون مظلوم) ===== (۴۱)
زهرج و مرج میسوزند انسا نهـــــــا
علاجش چوب قانون است یا مهـــــــدی
ببین از خون رزمندان اسلامـــــــی
جهان چون رود جبحون است یا مهـــــــدی
زخون پاسداران عزیزمـــــــا
قلوب شیعه محزون است یا مهـــــــدی
بیا بنگر که از ایثار جانـــــــان
پراز خون رود کارون است یا مهـــــــدی
بیا که نام نامی توزینت بـــــــخ
در ارگانهای کانون است یا مهـــــــدی

شکوفه آزادی

بتابیده است از دامن نرگــــس
درخشنده مهتابان نرگــــس
تجلی کرده خورشید ما مــــت
ز دامن پراز ایمان نرگــــس
امام عسگری را نورعین اســــت
ولی آرام قلب و جان نرگــــس
شکفته غنچه ی باغ ولایــــت

(۴۲) ===== (امیدانسانها)

ز لطف خالق سبحان نرگس
از این مادر چنین فرزند بآید
که با شداله و ریحان نرگس
ز شوق دیدن فرزند گردید
نمایان اشک در چشمان نرگس
از این دسته گل سرخ ولایت
شکفته آن لب خندان نرگس
فضا گشته معطر " اشعریا "
بود مهدی گلستان نرگس

وعدۀ وصل

یوسف گمشده‌ی عالمیان مهدی جان
تا یکی روی تو در پرده‌نشان مهدی جان
پرده‌ی غیبت اگر از روی خود برفکنی
شرم زای تو همه یوسفیان مهدی جان
وعدۀ وصل تو هر روز و شبی میشنوم
لیک از چهره‌ی تو نیست نشان مهدی جان

(وعده ی وصل) ===== (۴۳)

تو که از دوری خود خون به دل ما کردی
نیست در پیکر ما تاب و توان مهدی جان
خرم آن روز که پیغام ظهورت برسد
تا به پروا ز در آید دل و جان مهدی جان
کاش رخسار دل افروزتورا میدیدم
تا نشان تو کنم جسم و روان مهدی جان
تا نگر در درخ تو جلوه گرا ز عالم غیب
ظلم و ظالم نشود ریشه کنان مهدی جان
تا نیایی نشود عدل و عدالت ظاهر
ای عزیز دل این منظران مهدی جان
تا نیایی نشود جلوه گرا ز سینه ی خاک
قبر پنهانی زهرا ی جوان مهدی جان
تا نیایی نشود پهلوی زهراء آرام
ز فشار درو دیوار رخسان مهدی جان
بهر بهبودی بازوی کبودم مادر
کی شود جلوی ماه تو عیان مهدی جان
قلب آزرده و آن صورت سیلی خورده
انتقام تو بود مرهم آن مهدی جان
تا تو در پرده ای آرام نگیرد هرگز
پرچم سرخ حسین از هیجان مهدی جان
نه همین "اشعری" در آرزوی دیدن توست
بلکه مشتاق تو افرا دجهان مهدی جان

صاحب کشور

سرزدا زدا من نرگس ما هـی
حجة الله وولى الله هـی
زرخش نور حقیقت مشهورود
به لبش زمزمه ی قرآن بود
غنچه ای ز آل محمد بشکفت
که چه در باره ی او بتوان گفت
که بیان سازم قماش باشد
جامع عدل و پیمایش باشد
این پسر نور دل فاطمه است
حاصل آب و گل فاطمه است
این پسر را هیرا نسا نسا است
پدر و تاج سرا نسا نسا است
این پسر بردل و جان تسکین است
وی ستون فقرات دین است
مصلح عالم امکان باشد
صاحب کشور ایران باشد
آمد آرام کند دل هـارا
کند آسان همه مشکلهـارا

(صاحب کشور) ===== (۴۵)

این که افشاگر خود سری است

حجة بن الحسن العسكري است

مهدی اسطوره‌ی آزدگی است

که ابر دشمن خود کا مگی است

مهدی فریا دگر محروم است

قدرت بازوی هر مظلوم است

"شعری" حجت سرمد آمد

قائم آل محمد آمد

مهدی جان / آه

بیا دیگر جهان درانتظار توست مهدی جان

نظام زندگی دایرمدار توست مهدی جان

اگر میشد که یک لحظه جمال تو ببینم من

خدا داندها این دل بیقرار توست مهدی جان

توئی گر حافظ امت توئی گر حامی رهبر

خداوند جهان همپا سدا رتوست مهدی جان

تمام مردوزن هر روز و شب یا بن الحسن گویند

بیا که ملت ما دوستدار توست مهدی جان

(۴۶) ===== (امیدانسانها)

اگر ما بیوفا بودیم تو دریای احسانی
که موجودات عالم ریزه خوار تو است مهدی جان
بیا که قلب عالم خون شدا ز هجران روی تو
بیا که دیده از خون اشکبار تو است مهدی جان
جهان آفرینش را توباشی علت غائبی
که این هستی، هستی بافتخار تو است مهدی جان
تو در خط مقدم جبهه را فرما نروا هستی
شکست دشمنان با ابتکار تو است مهدی جان
همیشه جبهه‌ای سلام علیه کفر پیروز است
که این پیروزی در اقتدار تو است مهدی جان
گاهی در کربلا، گاهی بقیع، گاهی جماران
که دل‌داری زهر مظلوم کار تو است مهدی جان
همه شبهای جمعه جمکران هنگام مهدی است
که این مسجدیکی از یادگار تو است مهدی جان
ترا رزمندگان در جبهه‌ها دیدند می‌جنگی
قوای رزمی ما در کنار تو است مهدی جان
نگاهی ای سلیمان بر من کمتر زموری کن
که عمری "اشعری" در انتظار تو است مهدی جان

باز آئی

دلسوخته در سوز و گدا زم چکنم؟
چون شمع بسوزم و بسا زم چه کنم
از دوری تو در اهتزازم چکنم
بی روی تو در راز و نیا زم چکنم
با ز آئی که این دیده ترا میجوید
هر لحظه شعار مهدی مهدی گوید
ای یوسف فاطمه تو کی می آیی؟
رخساره ی خویش را عیا بنمائی
تو منتقم خون بنی زهرائی
گویند به ذی طوائی و رضوائی
ای وارث دودمانا حمد با ز آئی
از دوری تو جان لب آمد با ز آئی
هر روز بیا دتو بیا خیزم من
هر شب بیا میدتو سحر خیزم من
از دیده ز هجرت اشک میریزم من
با نام تو با ستم در آویزم من
از دیدن تو فراق پایان گیرد
عالم به طفلیت سروسامان گیرد
جز خط تونیست مسلمین را راهی
معیا ربرای خط حزب الهی
آوای قیام سرخ ثار الهی
آرام دل خمینی روح الهی

(۴۸) ===== (امیدانسانها)

ایطاللب خون شهداء مهدی جان
ما دل بتو بستیم بیا مهدی جان
ما را بجز از تو غمگساری نبود
جز زمزمه ی روی تو کساری نبود
جز دست عنایت تو یاری نبود
بر "اشعری" غیر شرمساری نبود
گر منتظرا ما ما ثنی عشر است
از چیست که از مقام ما و بیخبر است

مهدی

جونان/ع

ما همش به فکر تبیم تو کجا ها ئی مهدی جون
شب و روز دنیا لتیم آخه کجا ئی مهدی جون
میاد
هی میگن یه روز دیگه دور روز دیگه مهدی
ما که مردیم بخدا چرا نیا ئی مهدی جون
ما که هر جا می شینیم و رد زبون نمون تو ئی
هی میگیم لان میا دا لان در آ ئی مهدی جون
سربا زا خبر میدن ترا تو جبهه ها دیدن
تویقین فرما نده کل قوا ئی مهدی جون
هر کسی ترودا ره غم نداره این زمونه
تو بزرگ ما همه کوچیک ترا ئی مهدی جون

(مهدی جون) ===== (۴۹)

هی میگن این هفته یا آن هفته تو پیدا همیشه
تو صحرائی، تو رضوی یا ذی طوائی مهدی جون
گا هی با سنگر نشینا دعا کمیل میخو نی
گا هی بهشت زهراء با شهدائی مهدی جون
گا هی در جمارانی گا هی بقیع گا هی نجف
شبهای جمعه میگن کربلائی مهدی جون
تو که زیر بغل در مونده ها رو میگیری
تو عصای دست هرا فتاده پای مهدی جون
ما که خون شد دل مون ز بسکه کشته ها دیدیم
کشته های چون بهشتی و رجا ئی مهدی جون
جون ما درت قسمیه دغه بمانیگا بکن
ما اگر بدیم تو از اون خوب خوبای مهدی جون
بسکه ما اَمَّنْ جیب گفتیم بجا ئی نرسید
تو دعا کن بخدا خودت دعا ئی مهدی جون
تما م جونا مون مثل گلاپر پر شدن
بخدا به زخم دلها تو شفا ئی مهدی جون
"اشعری" بسکه میخوادتورا میگه همسریا
تو چرا در اینز مونا ز ما جدا ئی مهدی جون

کو مهدیتون؟

تو مثال گل میمونی، من چو خاری مهدی جون
چرا این نوکرات و تنها میزاری مهدی جون
چشما مون سفید شده بسکه شدیم منتظر
دوستات گذشتی تو چشم انتظار مهدی جون
ما دری که یه دونه جون داره کشته شده
کس ندیده هیچ ازش گریه و زاری مهدی جون
ده، دوازده ساله ها و شصت و هفتاد ساله ها
میرن توی آتش و خون افتخاری مهدی جون
وقتی که جوونا مون توجبه ها تیر میخورن
از زمین جنازشون رو بر میدای مهدی جون
دشمنای ما میگن کو مهدی تون، کو مهدی تون
ما مگه تا کی کنیم هی روز شماری مهدی جون
خون میدیم جون میدیم ای مملکت صاحب داره
بخدا صاحب توئی، اختیار داری مهدی جون
همه ی نقشه آمریکاییها خنثی شده
چون تو برپه مش مسلمون پاسداری مهدی جون
تورو بخدا قسم برای ما دعا بکن
که شب تا بسحر شب زنده داری مهدی جون

(کو مہدیتون؟) ===== (۵۱)

کاش کہ یک جمعہ نماز جمعہ با تو بخونم
کی میشہ یہ روز بگن تشریف میا ری مہدی جون
یا بیا تو یا بگو تورا کجا پیدا کنی م
پرده از رخت^۱ چرا تو برندا ری مہدی جسون
تو دعای ندبہ ہا ہمیش میگن یا بن الحسن
ما روا ز این انتظار کی در آری مہدی جسون

حضرت مہدیؑ

وَأَنبِئْ أَخْرُجْ جَدِيدًا أَخْرُجْ
وَلَا يَبْعَثُ لِأَحَدٍ مِّنْ
الطَّاغُوتِ فِي عُنُقِي.

ومن باخراہم غاست

در حالیکہ بیان حکمت از گردنشان برکردم

نیت

سرو دهاو

نغمه سرائیهائی

دوباره مهدی اعجاز

عندلیب آزادی

زخون شهیدان است
آرایش جشن ما
نیمه‌ی شعبان گلگون
شدلاله‌های پرخون

آه

سرودونغمه‌های عندلیب آزادی
نصر من الله وفتح قریب آزادی
جشن پیروزی حق
قدرت نمائیها
برجبهه‌ی طاغوت است
از حی‌لایموت است

آه

شاعر دلربای روز و شام مستضعفین
فضلاً لله المجدیدین علی‌اللقاء عدین
قدم بدنیا بنهاد
تا بسوی حق سبازد
نوردل عسگری
جامعه را رهبری
ولادت فرخنده اش بر مسلمین مبارک
می‌لاد مهدی بر همه منتظرین مبارک
چون روی حق نمایش
دیدند که بر با زویش
به گیتی ظاهر گشته
جاء الحق بنوشته

آه

میخواهند در رحم چه آیه‌های آن سرور

(عندلیب آزادی) ===== (۵۴)

سوره انا انزلنا ه فی لیلہ القدر

ولادتش لطفی بود ز خالق متعال

در کف او پرچم آزادی و استقلال

آه

برای احقاق حقوق ملت اسلام

تشکیل گردانند در عالم دولت اسلام

آزادی انسان را تضمین کنند نما مش

بساط کاخ طاغوت ویران کند قیام مش

آه

قانون اساسی و آیات قرآنست

اسلحه ارتش و نیروی ایماست

در انتظاری روزی که مهدی ظاهر گردد

در راه انسان سازی رهبر و ناظر گردد

آه

زدوریش روز و شبان ما همه نالانیم

امن جیب المضطر اذا دعا میخوانیم

بیا که چشم یاران در اهتوشد سپید

با آمدنت گردد برای انسانها عید

آه

بیا که انقلاب جمهوری اسلامی است

"اشعری" در آرزوی تو روز و شبها نشست

سرود عشق

بُشْرَى لَكَ الْمَهْدَى فِي الْعُطِيِّ
الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ

سپیده‌ی شکوفه‌ی آزادی طبیعه خجسته روزشادی
شداشکارا چین‌نوزادی به‌به‌چه‌نوزادی‌وچه‌میلادی

بُشْرَى لَكَ الْمَهْدَى فِي الْعُطِيِّ
الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ

چشم‌همه‌درا‌نتظاررویت خلاتق‌جها‌نبه‌جستجویت
هرجا‌سخن‌از‌تو‌وگفتگویت جان‌همه‌فدای‌تارمویت

بُشْرَى لَكَ الْمَهْدَى فِي الْعُطِيِّ
الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ

روز‌هما‌هنگی‌و‌همبستگی‌است روز‌جها‌دو‌عدل‌وسا‌زندگی‌است
در‌پرتوقیا‌م‌آزادگی‌است که‌وا‌ژگون‌اسا‌س‌خودکا‌مگی‌است

بُشْرَى لَكَ الْمَهْدَى فِي الْعُطِيِّ
الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ

حکومت‌مهدی‌قیام‌عدل‌است
آغاز‌وانجا‌مش‌نظام‌عدل‌است

طلوع‌فجرآن‌سلام‌عدل‌است
لحظه‌به‌لحظه‌اش‌پیام‌عدل‌است

بُشْرَى لَكَ الْمَهْدَى فِي الْعُطِيِّ
الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ

(۵۶) ===== (! میدانسانها)

آمدگنداقا مهی عدل و داد

بنای دادخواهی سازد ایجا د

کند جهان را ز اساسارت آزاد

بسوی حق پرستی سازد ارشاد

بشری لک المهدی فی العطییه

الجمهوریه الاسلامیه

در پرتو حکومتش آزادی است

آسایش و امنیت و آبادی است

روز ظهور یک چنین نوزادی است

که واژگون قدرت استبدادی است

بشری لک المهدی فی العطییه

الجمهوریه الاسلامیه

حضرت مهدی

پس هر کس از شما بایر

فَلْيَعْلَمْ كُلُّ أُمَّرٍ مِنْكُمْ
بوسیلہ آنچہ بدوستی مانزدیک می گردد

مَا يَقْرَبُ بِرَمَزٍ مَحَبَّتِنَا عَمَلٌ
برافروشد در ۱۳۱۱

یا بن الحسن [عج]

بر کشور ما مستدام
یا بن الحسن یا بن الحسن

* *

خلق جهان را رهبری
یا بن الحسن، یا بن الحسن

* *

دارم به لب نام ترا
یا بن الحسن یا بن الحسن

* *

بر زخم دلها مرهمی
یا بن الحسن یا بن الحسن

* *

در گفتگوی تو منم
یا بن الحسن یا بن الحسن

ای سایه لطف مستدام
بر تو درود و وهم سلام

* *

درماندگان را یاری
بر مسلمین تاج سری

* *

هر صبح جمعه در دعا
مهدی بیا، مهدی بیا

* *

مستضعفین را همدمی
با توندا رد کس غمی

* *

مشتاق روی تو منم
در جستجوی تو منم

یا مهدی [ع]

یا مهدی ، یا مهدی

تو صاحب کشوری ، تو حاکم مری
الغوث ، الغوث

* * * *

یا مهدی ، یا مهدی

کربلای ایران ، خونین شهرو آبادان
الغوث ، الغوث

* * * *

یا مهدی ، یا مهدی

تویا رهسربازی ، بردشمنان می تازی
الغوث ، الغوث

* * * *

یا مهدی ، یا مهدی ،

نور قلبی بنورک ، عجل علی ظهورک
الغوث ، الغوث

* * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خجسته زادر روز صاحب الزمان مبارک

جمهوری اسلامی بر منتظران مبارک

غنچه شیرین دهنی آمده از چمن نرگسی

آفرین

فشا سطر شده از عطر آن، یاسمن نرگسی

آفرین

فرخنده زیبا قمری، سرزده، زدا من نرگسی

آفرین

آمده درهم شکنند، کاخ ظلم، بت شکن نرگسی

آفرین

خجسته زادر روز صاحب الزمان مبارک

جمهوری اسلامی بر منتظران مبارک

آمده موعود زمان، منتظر، کند جهان گلستان

خوش آمد

آمده تا رهبری نماید نور حق ز مسلمین جهان

خوش آمد

آمده بر هم زند، منتقم، نظام مستکبران

خوش آمد

(۶۰) ===== (امیدانسانها)

آمده جمهوری اسلامی بپاکنند این زمان
خوش آمد

خجسته زادر و صاحب الزمان مبارک

جمهوری اسلامی بر منتظران مبارک

زدیدن چهره او، جبرئیل واله وحیران شده

العجب

یوسف کنعانی از رویا و سربگریبان شده

العجب

در عجب از نهضت او، حضرت موسی عمران شده

العجب

خمینی در غیبت او، رهبر ملت ایران شده

العجب

خجسته زادر و صاحب الزمان مبارک

جمهوری اسلامی بر منتظران مبارک

ا بر ما هدا آمده، بدستش کتاب و قرآن بود

يَا بُشْرَى

رفتار و برنا مهی او، یک بیک درس مسلمان بود

يَا بُشْرَى

نمونه از حکومت جهانیش، قیام ایران بود

يَا بُشْرَى

اسلحه‌ی مرد خدا، قدرت و نیروی ایمان بود

يَا بُشْرَى

(بسوی ما بشتاب) ===== (۶۱) =

خجسته زادروز صاحب الزمان مبارک

جمهوری اسلامی بر منتظران مبارک

أَيُّنَ قَاتِمِ شُوكَةِ الْمُعْتَدِينَ، چشم همه برا هیش

کجا نی؟

أَيُّنَ مِعْزَا الدِّينِ وَالْمُسْلِمِينَ، یا ورا والهیش

کجا نی؟

أَيُّنَ مُذِلِّ الْكُفْرِ وَالْمُشْرِكِينَ، فدای روی ما هیش

کجا نی؟

"اشعری" هر روز و شبی، نشسته منتظر نگا هیش

کجا نی؟

خجسته زادروز صاحب الزمان مبارک

جمهوری اسلامی بر منتظران مبارک

پیغمبر اکرم

مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي

فَدَانَا نَكْرِي

بر کس منکر قائم، از فرزندانم شود، مرا انکار

کرده است. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۰

سرود شادکی

نیمه‌ی شعبان، روز عیدتو
روز فرخنده، عید سعیدتو

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

ما به امید، روز وصال تو
روز و شبها به فکر و خیال تو
بلکه یکدم ببینیم جمال تو

حق آن خالق متعال تو

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

روشنی بخش راه بشر توئی
ملجا و تکیه‌گاه بشر توئی
در حوادث پناه بشر توئی

رافع اشتباه بشر توئی

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

دنیا در آتش و خون و انفجار
در سراشیبی سخت روزگار
نسل انسان گرفتار اضطرار

مسلمین جهان جمله در فشار

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

این ندای شهیدان کشور است
نال‌های هر جوان مرده ما در است
نغمه‌های غم‌انگیز مصطراست

محتوای هوالله اکبر است

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

(سرود شادی) ===== (۶۳) =

تو همان حجت الله سرمدی
بر همه رهبران ، تو سرآمدی
محبی دین و قرآن احمدی
بلکه قائم آل محمدی

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

سمبل انقلاب آفرین توئی
مرکز ثقل روی زمین توئی
محور اصلی عقل و دین توئی
حافظ حق مستضعفین توئی

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

دیدن روی تو آروزی ما
در پی دیدنت جستجوی ما
اشک هجران شد آب وضوی ما
یا دتونا م تو گفتگوی ما

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

راه تورا هسا زندگی بود
درس تو درس آزادگی بود
ضد طاغوت و خودکامگی بود
با وجود تو خوش زندگی بود

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

روشن افروزه را نجم توئی
چون خلیل الله بت شکن توئی
قائد اعظم مردوزن توئی
"اشعری" را بهر لحظه ایمن توئی

عجل علی ظهورک یا بن الحسن

سُرود و حدیث

یا مهدی، یا مهدی،

ای یوسف فاطمه، کن نگاھی بر همه

بقیة الله

ای شمع هرا نچمن، العجل، العجل

یا حجه ابن الحسن، العجل، العجل

یا مهدی، یا مهدی،

هر کس ترا میجوید، مهدی مهدی میگوید

بقیة الله

ای شمع هرا نچمن، العجل، العجل

یا حجه ابن الحسن، العجل، العجل

یا مهدی، یا مهدی،

منتقم جهانمی، تو صاحب الزمانمی

بقیة الله

ای شمع هرا نچمن، العجل، العجل

یا حجه ابن الحسن، العجل، العجل

یا مهدی، یا مهدی

گاھی در کربلائی، گه بهشت زهرائی

بقیة الله

ای شمع هرا نچمن، العجل، العجل

یا حجه ابن الحسن، العجل، العجل

(سرود وحدت) ===== (۶۵)

یا مهدی، یا مهدی
تورا بجان زهراء، ما را ببر کربلا

بقیة الله

ای شمع هرا نجمن، العجل، العجل
یا حجه بن الحسن، العجل، العجل
یا مهدی، یا مهدی

هر جا شهید دیدی، بالین آن رسیدی

بقیها بقیة الله

ای شمع هرا نجمن، العجل، العجل
یا حجه بن الحسن، العجل، العجل

سرود پُشارت

یا بُشری، یا بُشری

دوره‌ی هم عهدی شد، ولادت مهدی شد

با دا مبارک

نرجس زد بوسه ای بر رخسارش

فرشته، آمد پی دیدارش

رهبری که عالم درانتظارش

مشتاق برنا مه و رفتارش

(۶۶) ===== (امیدانسانها)

با دا مبارک

آنکس که حکومتش جهانی است
قانون اساسی اش قرانی است
رفتارش الگوی زندگانی است
قیامش آزادی انسانی است

با دا مبارک

بنیادش کوبنده‌ی خودکامی است
گروه مستضعفین را حامی است
اساس برنامهاش همگامی است
نظامش جمهوری اسلامی است

با دا مبارک

بردستش، پرچم آزادی است
رفتارش، سرمشق هر زندگیست
پیکارش، علیه خودکامی است
شعارش، وحدت و همبستگی است

با دا مبارک

سیمایش، والشمس والضحی بود
زیبانش بذکر حق گویا بود
گویای آیه‌ی هل اتی بود
پویای طریق انبیا بود

با دا مبارک

خمینی، نایب مناب مهدی
رهبری است بهانتخاب مهدی
نهضتش، چون انقلاب مهدی
دردستش باشد کتاب مهدی

با دا مبارک

آزادی، سرلوحه‌ی قیامش
آگاهی، شالوده‌ی پیامش
یا دحق آغا زهر کلامش
"اشعری" شود فدایناش

با دا مبارک

احیا گر خونها

ای تازه گل نرگسی
غیر از توندارم کسی
مهدی جان
میلادتوبا دا مبارک
مهدی جان
قدم تو بر ما مبارک

آه

تو همان نور افکن شعبانی
توئی رهبر لایق جهانی

* * * * *

منتقم خون شهیدان
افشاگر توطئه چینان
مهدی جان
شهادت چشم انتظار تو
مهدی جان
همه عاشق دیدار تو

آه

تو امید جهان مسلمان
توئی رهبر لائق جهانی

آتش هجران جمال تو
شوق تماشای وصال تو
مهدی جان
سوزاننده دل و جانها را
مهدی جان
حیرت زده انسانها را

(۶۸) ===== (امیدانسانها)
آه

توبه از ما حال ما میدانی
توئی رهبر لایق جهان

دردست توانای تو
مهدی جان
پرچم عدل و آزادی است
مهدی جان
با همت والای تو
نابودی استبدادی است

آه

توئی زبا نوسخنگوی قرآنی
توئی رهبر لایق جهان

منتظران دیده براه تو
مهدی جان
تورها شی بخش ضعیفانی
مهدی جان
والد و مشتاق نگاه تو
تو مدافع حق مسلمانی

آه

تویا دگا رختم رسولانی
توئی رهبر لایق جهان

ای رهبر ارتش اسلامی
مهدی جان
فرمانده کل قوائی
مهدی جان
کوبنده شیوهی خودکامی

(احیا گر خونها) ===== (۶۹)

بنده‌ی محبوب خدائی

آه

توشفای دردی و درمانی

توئی رهبر لائق جهانی

تو تجلی خالق سرمدی مهدی جان

بیا وقت ظهور و قیام
تو است

تو مروج دین محمدی مهدی جان

همه جا آوای و پیا م تو
است

آه

تو به پیکر ما روح و روانی

توئی رهبر لایق جهانی

ز قیام تو شرقی و غربی را مهدی جان

یکسره ویران میساز

زیهود و کافر حربی را مهدی جان

تازه مسلما نمیساز

آه

تو که روح پیکر ایرانی

توئی رهبر لایق جهانی

یوسف زهرا

ای یوسف زهراء بیا فرزندعا شورا بیا
یا بن الحسن ، یا بن الحسن

* * * * *

مهدی ببین دنیای ما دنیای پرغوغای ما
جمعیت تنها ی ما مهدی توئی مولای ما
یا بن الحسن ، یا بن الحسن

* * * * *

توسیدی توســــروى رزمندگا نرا رهبرى
درجبهه ها جنگا وری من هرچه گویم بهتری
یا بن الحسن ، یا بن الحسن

* * * * *

ای نورچشم عسگــــرى تو صاحب این کشوری
آرام جان رهــــبرى بربینوا یان یا وری
یا بن الحسن ، یا بن الحسن

نماز جمعہ جاتو

دنیا در آ روزی دیدار ت
کی شام غیبت سر آید
از سفر منتظر آید
خون گشته چشم چشم انتظارت
مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی
العجلیا حجة بن الحسن

گر قسمت گردد زنده بما نم
بیا جانها به لب رسید
مارا گردان نا امید
نما ز جمعہ با تو بخوانم
مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی
العجل یا حجة بن الحسن

ای یوسف فاطمه کجائی؟
در کربلایا ایرانی
در جبهه یا جماران
در جبهه جنگ فرمائروائی
مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی
العجل یا حجة بن الحسن

تا کی امت دلیر ایران
با ظهورت پایان گیرد
دنیا سروسامان گیرد
بر روی دستش جسم شهیدان
مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی
العجل یا حجة بن الحسن

(۷۲) ===== (ا میدا نسا نهسا)

خون شهیدان ترا میجوید
تو صاحب این کشوری
یا رویا و ررهبری
مهدی یا مهدی
یا حجه بن الحسن بگوید
مهدی یا مهدی
العجل یا حجة ابن الحسن

* * * *

هر جمعه در آرزوی رویت
جانهای ما فدای تو
قربان خاک پای تو
مهدی یا مهدی
در کوی و برزن در جستجوییت
مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی
العجل یا حجة ابن الحسن

* * * *

انفجار فجر

شدا نفجا رفجر در نیمه شب
برگوش جان آید گلبنکی از قرآن
نور علی نور است سرتا سرکیهان
دیگر شب تیره ای نسا نهسا بسرا مد
میلامسعودا ما منتظرا مد
شدا عالم گلشن ، الله اکبر

(انفجار فجر) ===== (۷۳)

چشم توروشن، خمینی رهبر

* * * *

با موسویا نگوی موسی زطورآ مدد

با عیسویان گوی وقت سرورآ مدد

با هاشمیون گوی دریای نورآ مدد

یا سیدی توقائتم آل محمـدی

یا حجه ابن العسکری آمدی آمدی

شده عالم گلشن، الله اکبر

چشم توروشن، خمینی رهبر

* * * *

شدروشن عالم زدردا نهی نرجسس

چون جنت الماوی شدخا نه نرجس

جان جهان است وجا نانهی نرجسس

بوسه برویش میزند تکبیر میگوید

بوی بهشت از سینه سینای او بویید

شده عالم گلشن، الله اکبر

چشم توروشن خمینی رهبر

* * * *

ما عاشق رویت مهدی بیا، مهدی

درماندهی کویت مهدی بیا مهدی

اندر تکاپو بیت مهدی بیا، مهدی

یک دفعه روی خود نشان دوستانت ده

(۷۴) ===== (امیدانسانها)

آرامش و تسکین بقلب رهروانت ده

شده عالم گلشن ، اللهاکبر

چشم‌توروشن ، خمینی رهبر

* * * *

نورافکن توحیدسیمای ماه‌تواست

دریائی ازدانش دریک نگاه توسط

خلق جهان یکسردیده‌براه‌تواست

تو عنصرنا متناهی ملکوتی

ویرانگر آثا را ستبدا دوطا غوتی

شده عالم گلشن اللهاکبر چشم‌توروشن خمینی رهبر

* * * *

کی سرزندروی چون آفتاب‌تو

برچیده‌گردد کفر با انقلاب‌تو

رهبر اکنون نائب‌مناب‌تو

پیروزی نهائیش را از تو می‌خواهیم

توفیق روح‌الیهیش را از تو می‌خواهیم

شده عالم گلشن اللهاکبر چشم‌توروشن خمینی رهبر

* * * *

رزمندگان گویند لغوث یا مهدی

آزادگان گویند لغوث یا مهدی

"اشعری" سان گویند لغوث یا مهدی

برهم‌بزن این شرکت کفر آفرین خلق

فدائی و جنبشی و منافقین خلق

شده عالم گلشن اللهاکبر چشم‌توروشن خمینی رهبر

سپیده شادی

در سحرگاه نیمه‌ی شعبان
حجّه ابن‌الحسن شدنمایان
دامن نرگس از این شکوفه
شد چمن آرا چون باغ رضوان
از شمیم بوی عنبرینش
جان فزا روح چشم انتظاران

شدمتولد، نورعینی از حسینی
تهنیت بر مسلمین و بر خمینیی

مسلمین را، مومنین را
آید از هر گوی و بزرزن
عسکری را چه دردانه آمد
که جها ز روشن از جلوه آن
گشته از برق سیمای ماهش

آسمان وزمین نورباران
جسم و جان را، راحتی بخش نورعینی
تهنیت بر مسلمین و بر خمینیی

* * * *

ای بر رهبان پرستان
یا وصی الحسن، یا بن طه
چشم عالم بسوی توبا شد
هر کجا گفتگوی توبا شد
منتهی آرزوی توبا شد
یا وردین، یا رما، درفشایینی

(۷۶) ===== (امید انسا نهها)

تهنیت بر مسلمین و بر خمینی

* * * * *

غرب سفاک ، شرق خونخوار
در سراسیمه مرگ باشنند
کاخهای کفر و طاغوت
لانه‌ی جنگ و نیرنگ باشنند
با ظهور تو بر چیده گردد
دوا بر قدرت جنگ و غارت
مضمحل گردد از سطح عالم
پایگاههای این دو حکومت
با قیام تو در اهتزاز است
پرچم انقلاب و عدالت
عسگری را پاره‌ی تن ، زیب و زینی
تهنیت بر مسلمین و خمینی
ایکه در انتظارت جهانی

تا که از بر غیبت در آئی؟

نقش جمهوری اسلامی ما

با ظهورت تو کامل نمائی

بهر جنبشهای رهائی بخشش

راه فتح و ظفر را گشائی

سنگردین یا دگارتقلینسی

تهنیت بر مسلمین و بر خمینی

به طفیل تو من زنده هستم

من ز روی تو شرمنده هستم

فکر دنیا ی آینه هستم

هر شب و روز و هر هفته و سال

من بوصف تو خوا ننده هستم

"اشعری" شد مدیحه سرایت

تو امام ، مهربان عالمینی

جیا، جیا

ایسایهات بر سر ما ای حامی رهبر ما

مهدی بیا، مهدی بیا

ای طلوعه‌های آزادی کوبنده‌های استبدادی

مهدی بیا، مهدی بیا

ای عدالت‌جها نسی ای که تو صاحب زمانه‌ای

رهبر مسلمانانسی افشاگر خودکامانسی

مهدی بیا، مهدی بیا

دیده‌های عالم بسویست بلکه بینندگان رویت

عاشق روی نکویست جانفدای تار مویت

مهدی بیا، مهدی بیا

دارم آرزوی نگاهت منتظر روی ماهت

ادامه‌دهنده‌ی راهت خمینی روح‌اللهت

مهدی بیا، مهدی بیا

ای امید و آرزوی ما ای اسوه و الگوی ما

ای مایه‌های آبروی ما کن یک نظر سوی ما

مهدی بیا، مهدی بیا

بازوی رزمندگانسی تکیه‌گاه سربازانسی

توان بخش پاسدارانسی منتقم شهیدانسی

(۷۸) ===== (امیدانسانها)

مهدی بیا، مهدی بیا

این کشور خون و پیام است سنگردین اسلام است

گورستان نهر خود کام است امت در خطا ما م است

مهدی بیا، مهدی بیا

انقلاب جهانی

مهدی بیا، مهدی بیا

مهدی بیا، مهدی بیا

مهدی بیا، مهدی بیا

مهدی بیا، مهدی بیا

مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا

چون جنت الما وی شده

چون وادی سینا شده

عالم چمن آرا شده

من آرزو بسیارها

مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا

توبرگزیده رهبری

در جبهه‌ی ما سنگری

ای غرش رگبارها

ای روح لاله زارها

آژیر هژدها

اخطا بر خونخوارها

مهدی بیا، مهدی بیا

ایدا من نرجس ز تو

ای سامره از روی تو

ای کز وجودا قدس است

دارم برای دیدن است

مهدی بیا، مهدی بیا

بر کاروان مسلمین

در جنگ با مستکبرین

(انقلاب جهانی) ===== (۷۹)

آرام جان نرجسی نوردو چشم عسگری

کی گردد از خسارت تو روشن همه دیدارها

مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا

ای دانش آموزان تو استادان نگاهها

ای دوخته بر راه تو میلیاردها نگاهها

نائب مناب تو بود خمینی روح اللهها

تا کی به عشق دیدنت کشیم انتظارها

مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا

روزی که ظاهر می شوی هنگامه برپا میکنی

این پیکر بیجان ما با یکدم احیا میکنی

با دست خود احکام دین در عالم اجراء میکنی

بیا بیا که برده ای - ز قلب ما قرار ما

مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا

کسی که یاورش توئی نمی هراسد از عدو

کسی که عاشق توست نماید از تو گفتگو

زان تنساب با تو هر کسی گرفته آبرو

انیسویار "اشعری" به روز و شام تارها

مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا، مهدی بیا

یا ابن زهرا

تا کی ز دیده ما به دوری
دیدن روی تو آرزویم
توسلیمان عصر و زمانی
شام تاریک ما را تونوری
العجل، العجل کن ظهوری
کن نظاره بر افتاده موری
یا بنزهراء، یا بنزهراء، یا بنزهراء

من گریوفا ئی نمودم
به طفیل تو ما زنده هستیم
بی تو این زندگی را صفا نیست
توبه غم دیدگان مهر با نی
بلکه بر عالمی میزبان نی
ای صفا بخش این زندگان نی
یا بن زهراء، یا بنزهراء، یا بنزهراء

هر کسی که گرفتار گردد
هر که در مانده و دردمند است
خون پاک شهیدان تاریخ
راه دیدار روی تو پوید
یا ابا صالح المهدی گوید
چهره تا بناک تو جوید
یا بنزهراء، یا بنزهراء، یا بنزهراء

یوسف فاطمه در کجائی؟
میروی بر مزار شهیدان
یا بنزهراء، یا بنزهراء، یا بنزهراء
در مدینه و یا کربلائی
یا که در جبهه فرما نروائی

(یا بن زهراء) ===== (۸۱)

آرزودارم ای نور دیده تا که یک جمعه رویت ببینم
همچو یعقوب از هجر یوسف بر سر کوی تو میشینم
پرده ی غیبت از چهره بردار تا ترا بینم ای نا زنینم
یا بن زهرا، یا بن زهرا یا بن زهرا یا بن زهرا

لله هاهنا پر خورن

یا سیدی یا مولای یا بن الحسن
کی گردد از دیدن تو دیده روشن
یا بن طه، یا بن زهراء
شعرا را نسا نهایی مستضعف این است
پیروزی نهایی از مستضعفین است
در انتظار دیده منتظرین است
روز ظهورت روز عید مسلمین است
یا بن طه، یا بن زهراء
از دوری روی تو دیده خون گرفت
در سینه ها فریاد نسا نهایی نهفته
ز خون هر شهیدی لاله ها شگفته
بهر تو "اشعری" چنین سرود گفته
یا بن طه، یا بن زهراء

قائد اعظم

ای مونس و همدم بیا
یا بنی الحسن، یا بنی الحسن

* *

آرامش جان و تنی
یا بنی الحسن یا بنی الحسن

* *

یا ردل غمگین توئی
یا بنی الحسن یا بنی الحسن

* *

پشت و پنا هر هبیری
یا بنی الحسن یا بنی الحسن

* *

با زوی نیرومند دین
یا بنی الحسن یا بنی الحسن

* *

غیرا ز توندا رد کسی
یا بنی الحسن یا بنی الحسن

ای مصلح عالم بیا
تاج سر آدم بیا

* *

ای دیدگان را روشنی
ای قائدا عظم بیا

* *

بردردها تسکین توئی
ای زخم را مرهم بیا

* *

رزمندگان را یاری
ای ماه شام غم بیا

* *

فریاد عدل مسلمین
وصل تو میجویم بیا

* *

تو "اشعری" را مونس
یک جمعه صبحدم بیا

یا مهدی اغثنی

تو که با مهر و وفائی
من نمی‌دانم در کجائی
از چه از پرده در نیائی
یا مهدی یا مولای اغثنی

دیده خون می‌گیرید برایت
جاننا قافلیم فدا یست
دا را از روی سیما یست
یا مهدی یا مولای اغثنی

تو که در ماندگان را یاری
شب تا سحرگاهان نبیاری
لطفی برافتادگان داری
یا مهدی یا مولای اغثنی

با تودل انس و الفت دارد
هر کسی انتظارت دارد
زندگی با تولدت دارد
یا مهدی یا مولای اغثنی

دیدن رویت آرزوییم
روز و شب مهدی مهدی گویم
در کجا با ید ترا جویم
یا مهدی یا مولای اغثنی

بر سر گویت مینشینیم
گرچه از رویت شرمگینیم
تا روی زیبایت ببینیم
یا مهدی یا مولای اغثنی

فریادمستضعفانسی تو
بلکه صاحب الزمانی تو
امید مسلمانانی تو
یا مهدی یا مولای اغثنی

(۸۴) ===== (امید انسانها)

کی پیا میکنی درو کا بت کی ظا هر گردد ا نقلا بت

مشتاق تونائب منا بت یا مهدی یا مولای غثنی

ما درت زهراء گوید مهدی خون شهداء گوید مهدی

خاک کربلا گوید مهدی یا مهدی یا مولای غثنی

به آن غنچه های پژمرده به آن شیرخوار پد رمرده

بحق یتیم افسرده یا مهدی یا مولای غثنی

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لَيُخْلِفَنَّ لَهُمْ فِي

الْأَرْضِ ...

« خداوند ببردوم با ایمان و نیکو کار و صالح العمل از شما نوید پیروزی،

سیادت، آزادی و آرامش میدهد ما تنها، اورا پرستش کنید و

از ظلمها، ظلمتها، بت ما، بت نما ما، بت سازان و

بت پرستان رهائی یابید... سوره نور- آیه ۵۵

وارث حسین (ع)

ای تو وارث رسالت حسینی مهدی جان
ای در آرزویت امت خمینی مهدی جان
انتظار تو، میکشد جهان
صاحب الزمان، صاحب الزمان

آنکه صولت منافقان بشکند تو شیعی
آنکه قید و بند ظالمانه بگسلد تو شیعی
ای خلاصه و عمایه شکوفه های آیزدی
ای مکمل روند انقلاب و نهضت محمدی
کن نظاره ای سوی عاشقان
صاحب الزمان، صاحب الزمان

در وجود تو نمایش جمال سرمدی است
در رخ تو انعکاسی از کمال احمدی است
کی جمال خود می کنی عیان
صاحب الزمان، صاحب الزمان

حاکمیت تو گسترش دهد نظام عدل

(۸۶) ===== (امیدانسانها)

بلکه مستقر کنند در این جهان پیام عدل
نهضت تو سازمان دهد به اجتماع مسلمین
مضمحل نما پد آرها نوا یده ی منافقین
واژگون کند، کاخ دشمنان
صاحب الزمان، صاحب الزمان

ای مدافع بشر حکومت سلیم تو
رهگشای دین حق، صراط مستقیم تو
مهدی، مهدی است ما را بر زمین
صاحب الزمان صاحب الزمان

بیعدالتی احاطه کرده در جهان ما
دارد آرزوی رهبری تو زمان ما
رمز آفرینش زمین و آسمان توئی
رهبر شکست ناپذیر این جهان توئی
العجل ایها، روح جسم و جان
صاحب الزمان، صاحب الزمان

خط انتظارتو، تداوم ولایت است
عامل تکامل و مقاومت است
ای معرف خط مومنان
صاحب الزمان، صاحب الزمان

(وارث حسین "ع") ===== (۸۷)

ای اما منتظر، امید مسلمین
زا دروزتو حما سه عید مسلمین
ارتش و سپاه جبهه را تور هبری کنی
در صف نبرد جبهه ها دلاوری کنی

تا دهی شکست، ارتش خسان
صاحب الزمان، صاحب الزمان

مکتب تو مکتب عدالت و شهادت است

آن شهادتی که با ملش سعادت و رشادت است

دارد "اشعری" آرزوی آن
صاحب الزمان، صاحب الزمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْبَسِ الصُّبْحُ بِفَرِيْبٍ؟

آیا صبح امید نزدیک نیست؟

روح منی

آرزوی پیرو جوان مهدی جان
تا بکی از دیده نهان مهدی جان
کی شوی از پرده عیان مهدی جان
نام تو دارم به زبان مهدی جان
نور قلبی بنورک مهدی جان
عجل علی ظهورک مهدی جان

بی رخ تو زندگی را صفا نیست ...
در همه جائی لطف تو کجا نیست
جز دیدن رویت امید ما نیست
کیست که در راه تو جان فدا نیست
نور قلبی بنورک مهدی جان
عجل علی ظهورک مهدی جان

ایده‌ی آن امت ، آزاده ای
حامی درمانده و افتاده‌ای
منتظران را توتوان داده‌ای
پورا مام و نرگسی زاده‌ای

(روح منی) ===== (۸۹)

نور قلبی بنورک مهدی جان

عجل علی ظهورک مهدی جان

در عصر ما تو طئه‌ی قا بیل اسست
غده‌ی سرطان اسرائیل اسست
خون به دل سلاله‌ی‌ها بیل اسست
آنکه برای مسلمین دلیل اسست

نور قلبی بنورک مهدی جان

عجل علی ظهورک مهدی جان

مظهر لطف خالق سبوح
پیکر نجات‌توان ما را روحی
انگیزه‌ی پیروزی و فتوحی
کشتی انقلاب را تونوحی

نور قلبی بنورک مهدی جان

عجل علی ظهورک مهدی جان

چونکه ظهور تو شود پیدار
قدرت دشمنان بیفتد از کار
استعمار و استثمای روستاها
استبداد و استضعاف و استکبار

نور قلبی بنورک مهدی جان

عجل علی ظهورک مهدی جان

(۹۰) ===== (امید انسا نهها)
دنیا ی ما خون و نزاع و جنگ است
عرصه برای لیبرالها تنگ است
وجودشان برای ملت تنگ است
زندگی آنان بسان مرگ است

نور قلبی بنورک مهدی جان
عجل علی ظهورک مهدی جان

رابطه بین تو و ما خمینی است
حجت حق روح خدا خمینی است
حافظ خون شهداء خمینی است
حسینا بین کربلا خمینی است

نور قلبی بنورک مهدی جان
عجل علی ظهورک مهدی جان

بر سر کویت همه دم نشینم
بلکه رخ ماه تورا ببینم
عاشق و شیدای تونا ز نیل منم
از غم دوری تو دل غمینم

نور قلبی بنورک مهدی جان
عجل علی ظهورک مهدی جان

فهرست مطالب

- ۳ - آینه‌ی روشن
- ۵ - درانتظار عدل
- ۷ - در دانه‌ی نرجس
- ۱۰ - کیست مهدی (عج)؟
- ۱۲ - در آرزوی آن روز
- ۱۵ - هر شب و امشب
- ۱۸ - فریادرس
- ۲۱ - نجاتبخش
- ۲۳ - یا مظلوم
- ۲۴ - یوسف فاطمه (عج)
- ۲۵ - درانتظار وصل
- ۲۷ - پیک پیروزی
- ۲۸ - گوهر نرگس
- ۲۹ - یا بنالعسکری (عج)
- ۳۱ - آفتاب سایه‌نشین
- ۳۳ - آوای جاء الحق
- ۳۵ - نسیم صبحدم
- ۳۶ - کوبنده‌ی طاغوتها

(۹۲) ===== (۱ میدا نسا نها)

- ۳۷ - ۱۹ - ارمغان نرگس
۳۹ - ۲۰ - چشم منتظا رتو
۴۰ - ۲۱ - با زگیرنده ی خون مظلوم
۴۰ - ۲۲ - آتش و خون
۴۱ - ۲۳ - شکوفه ی آزا دی
۴۲ - ۲۴ - وعده ی وصل
۴۴ - ۲۵ - صاحب کشور
۴۵ - ۲۶ - مهدی جان
۴۷ - ۲۷ - با ز آی
۴۸ - ۲۸ - مهدی جون
۵۰ - ۲۹ - کو مهدیتون؟
۵۳ - ۳۰ - عندلیب آزا دی
۵۵ - ۳۱ - سرود شوق
۵۷ - ۳۲ - یا بنی الحسن
۵۸ - ۳۳ - یا مهدی (عج)
۵۹ - ۳۴ - بسوی ما بشتاب
۶۲ - ۳۵ - سرود شادی
۶۴ - ۳۶ - سرود وحدت
۶۵ - ۳۷ - سرود بشارت
۶۷ - ۳۸ - احیا گر خونها
-۷۰ - ۳۹ - یوسف زهراء
۷۱ - ۴۰ - نما ز جمعه

(فهرست مطالب) ===== (۹۳)

- ۷۲ - ۴۱- انفجار فجر
۷۵ - ۴۲- سپیده‌ی شادی
۷۷ - ۴۳- بیابیا
۷۸ - ۴۴- انقلاب جهانی
۸۰ - ۴۵- یا بن الزهراء
۸۱ - ۴۶- لاله‌های پر خون
۸۲ - ۴۷- قائدا عظم
۸۳ - ۴۸- یا مهدی اغثنی
۸۵ - ۴۹- وارث حین (ع)
۸۸ - ۵۰- روح منی
۹۱ - ۵۱- فهرست مطالب
۹۳ - ۵۲- معرفی کتب مفید

فستی از

انتشارات پیام اسلام قم

- ۱- نقش کلیسا در ممالک اسلامی
- ۲- مردان پاک
- ۳- پیسگوئیهای علمی قرآن
- ۴- راه مبارزه با مشکلات پیما زنا شوئی
- ۵- ندای اسلام از قلب ایتالیا
- ۶- علی بن ابیطالب (ع)
- ۷- دختر و طیفه شناس
- ۸- رهبران جهانی
- ۹- افسونگر قرن
- ۱۰- بحثهایی درباره ی خدا
- ۱۱- مرگ سبز
- ۱۲- سلیمان و بلقیس
- ۱۳- سیمای مقداد
- ۱۴- فرو ع دین
- ۱۵- مرد خسیس
- ۱۶- جوانان چرا ... ؟
- ۱۷- ده برهان
- ۱۸- نور ایمان در قلب کودک
- ۱۹- روزه و ماه خدا
- ۲۰- آرامش روانی
- ۲۱- قصه های قرآن
- ۲۲- نعاتی درباره ی دستگاه آفرینش
- ۲۳- نقشه های شوم استعمار
- ۲۴- اعتیادهای خطرناک
- ۲۵- پیشاهنگ شهیدان
- ۲۶- دوستیهای تلخ و شیرین
- ۲۷- زندگی ائمه آل
- ۲۸- چرا رفوزه شدم
- ۲۹- ساز و آواز
- ۳۰- بسوی اسلام یا آئین کلیسا ؟

- ۳۱- سخنان چهارده معصوم (ع)
 ۳۲- یکه تا زیروز
 ۳۳- عشق و خودکشی
 ۳۴- اسلام چیست و مسلمان کیست
 ۳۵- نظریه اردوگاه کمونیسیم
 ۳۶- ابوذر غفاری
 ۳۷- علی چرا ثمورا دمبرزه با آنها
 ۳۸- غدیر خم
 ۳۹- چهل حدیث
 ۴۰- تعلیمات دینی
 ۴۱- دختر سراهی
 ۴۲- سالنامه ی پیام اسلام
 ۴۳- مسئله فقر
 ۴۴- جوانان چه میپرسند
 ۴۵- از حسین (ع) برایم بگو
 ۴۶- پیامبر اسلام (ص)
 ۴۷- اسلام و اجتماع
 ۴۸- رفتارشناسی با بکر
 ۴۹- اسلام در آمریکا
 ۵۰- حدود خسارات جهان و انحطاط مسلمین
 ۵۱- نهج البلاغه از دیدگاه قرآن
 ۵۲- مسلمانان روسیه
 ۵۳- طوفان جوانی
 ۵۴- راه و بیراهه
 ۵۵- نماز، نیروی مقناومت اسلامی
 ۵۶- رمز ترقی
 ۵۷- سرود شعاری اسلامی
 ۵۸- کیفرگناها ن درد ادگاه اسلام
 ۵۹- شیعه و زمامداران خودسر
 ۶۰- کودک نیل یا مردانقلاب
 ۶۱- ابراهیم بت شکن یا قهرمان توحید
 ۶۲- کنفرانس مذهبی لبنان
 ۶۳- اشک قلم (سرود)
 ۶۴- نهضت کربلا (مدح و مصیبت)
 ۶۵- حنایات غربی در شرق

- ۶۶- کشف اسرار
- ۶۷- شهید آیه الله با فقی
- ۶۸- اسلام در فلسطین
- ۶۹- حمله ی خونین
- ۷۰- فلسطین را نجات میدهم
- ۷۱- فلسطین کلاس انقلاب (سرود)
- ۷۲- یادش رسالت
- ۷۳- همکاری با نهادهای انقلاب
- ۷۴- افکار استاد شهید دکتر مفتاح
- ۷۵- گفتگوی ازدواج
- ۷۶- آمنه ما در پیا مبراکو (ص)
- ۷۷- خودآموز قرآن
- ۷۸- امام مهدی در قرآن
- ۷۹- انسان، اسلام
- ۸۰- بلا صهیونیسم
- ۸۱- آینده ی اسلام
- ۸۲- سرودهای امام مهدی (عج)

قصه ها اسلامی

برای بچه های انقلابی

این قصه ها منتشر شده است :

- | | |
|-------------------|-------------------|
| ۱- ننه عبدال | ۱۱- مرغ آزادی |
| ۲- تخم طلا | ۱۲- منگایوم |
| ۳- من عمادم | ۱۳- برادران شیطان |
| ۴- مریم آباد | ۱۴- کلاغ پیر |
| ۵- بلبل و جوجه اش | ۱۵- آفرین پسر خوب |
| ۶- شاخ زنها | ۱۶- سنجدا باد |
| ۷- بز جنکی | ۱۷- نماز وحدت |
| ۸- روباه آواره | ۱۸- الله اکبر |
| ۹- درخت خون | ۱۹- کبوتر |
| ۱۰- شتر دزد | ۲۰- آتش قلمکار |

هر کتاب بیست ریال